

نیویورک به عنوان مدلی در بررسی شهرسازی

در ابتدای قرن بیست و یکم ، به عنوان نخستین دوره در تاریخچه انسان ، بخش عمده‌ای از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کردند و تمایل زیادی به زندگی در نواحی روستایی وجود نداشت.

افزایش تعداد افراد در شهرهای بزرگ ، اشراف بیشتر فعالیت‌های انسانی را در چشم‌اندازها و هر یک از اکوسیستم‌های محلی ، به همراه داشت. رشد بی‌وقفه این کلان شهرها ، تاثیرات عمیقی را بر طبیعت محلی ، اکوسیستم‌های خشکی و دریا ، پاکیزگی هوا و روی هم رفته کیفیت زندگی وارد می‌سازد.

افزون بر این ؛ چنین شهرهایی فشار قابل توجهی را بر کالاها و خدمات عرضه شده توسط انواع اکوسیستم‌ها ، بویژه برای غذا ، فضا ، انرژی و منابع طبیعی اعمال می‌نمایند. شهرسازی انسان‌ها - به شدت رو به توسعه و در نیمه قرن فعلی به رشد جمعیت جهانی را در محیط‌های شهری می‌توان بوضوح مشاهده کرد. هم‌اکنون ۱۰ شهر بزرگ با بیش از ۱۲ میلیون نفر جمعیت ، در این مقوله جای گرفته‌اند ؛ از جمله این شهرها می‌توان به توکیو (۲۶ میلیون نفر) ، به عنوان بزرگترین شهر جهانی ، و منطقه کلان شهری نیویورک سیتی ، ششمین شهر بزرگ (۱۷ میلیون) در جهان اشاره نمود. مابین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۲۵ ، تعداد افرادی که در نواحی شهری زندگی می‌کنند ، دو برابر خواهد شد این ارزیابی بیانگر یک رشد ۹۰ درصدی است که در کشورهای در حال توسعه بوقوع پیوسته است

شهرهای بزرگ بیش از (Ca) ۲ درصد از نواحی جهان را احاطه نموده‌اند اما آنها تقریباً ۷۵ درصد از کاربرد صنعتی چوب ، ۶۰ درصد از مصرف آب آشامیدنی و بالغ بر ۸۰ درصد از کل انتشار کربن را به خود اختصاص می‌دهند. آمار نشان می‌دهد که ؟ در دستیابی به اقتصاد پایدار محیطی در قرن ۲۱ ، برنده شدن یا شکست نواحی شهری جهان را به همراه داشت [۱] [۲]. نیویورک به عنوان یک منطقه کلان شهر ، موفق به کسب تجهیزات و منابع گسترده شده است. لذا می‌توان نیویورک ؟